پدر و مادر

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا﴾

ـ سفارش والدین

۱. ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا﴾[1]؛ ما به انسان در مورد پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش به هنگام حمل و زایمان بسیار رنج و محنت کشید.

یادآوری: در دو آیه دیگر هم به انسان سفارش پدر و مادر شده که در یک جای آن هم رنج‌های مادر ذکر شده است.[2]

ـ بزرگسالی والدین

۲. ﴿وَقَضَى رَبُّكَ أَلاَّ تَعْبُدُواْ إِلاَّ إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلاَهُمَا فَلاَ تَقُل لَّهُمَآ أُفٍّ وَلاَ تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوْلاً كَرِيمًا ۞ وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُل رَّبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيراً﴾[3]؛ و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید، هرگاه یکی از آن دو یا هر دوی آن‌ها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آن‌ها روا مدار و بر آن‌ها فریاد مزن و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آن‌ها بگو۞ و بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر و بگو: پروردگارا! همان‌گونه که آن‌ها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول

---

۱. احقاف، آیه۱۵.

۲. عنکبوت، آیه ۸؛ احقاف، آیه۱۵.

۳. اسراء، آیات۲۴ ـ ۲۳.

رحمتشان قرار ده.

تفسیر

اف: کلمه و حرکتی که ناخشنودی شخص را نشان دهد و از کراهت و سختی او درباره طرف مقابل حکایت کند.

نَهر: تند شدن، فریاد زدن

قول کریم: سخن نرم، فرمانبرداری از آنان

خفض جناح: اطاعت، عدم مخالفت با خواسته های ایشان، تواضع و رأفت با آنان

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌فرماید:

> و **هذا بعد التوحید لله من أوجب الواجبات**...؛ احسان به والدین، بعد از توحید ربوبی، از اوجب واجبات است و رابطه عاطفی بین والدین و فرزند از مهمترین اموری است که جامعه انسانی بر او استوار است... و یادآوری دوران بزرگسالی در آیه، به دلیل مشقت‌بارترین حالاتی است که بر والدین می‌گذرد و نیاز شدیدی که به کمک فرزندانشان دارند[1].

یادآوری: در سه آیه دیگر هم امر به احسان والدین، پس از امر به عبادت خداوند واقع شده است،[2]همان‌طور که امر به تشکر از والدین، پس از امر به تشکر از خداوند آمده است: ﴿أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ﴾[3].

در یکی از سه آیه، احسان به والدین، به صورت میثاق خداوند یاد شده است:

۳. ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لاَ تَعْبُدُونَ إِلاَّ اللّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً﴾[4]؛ و(به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و

---

۱. المیزان، ج ۱۳، ص ۸۰ ـ ۷۹ .

۲. نساء، آیه ۳۶؛ انعام، آیه ۱۵۱؛ بقره، آیه ۸۳.

۳. لقمان، آیه ۱۴.

۴. بقره، آیه ۸۳.

به پدر و مادر نیکی کنید.

پیام‌ها

۱ـ رنج‌های والدین به ویژه مادر در ایام حمل و پس از آن، باید مورد توجه فرزندان باشد.

۲ـ احسان به پدر و مادر، از احکام قطعی الهی است.

۳ـ والدین در بزرگسالی، مسائلی دارند که خویشتن‌داری، ملاطفت و تواضع بیشتر فرزندان را می‌طلبد.

آیات مرتبط

ـ دعا برای والدین

۴. رَبِّ اغْفِرْ لِی وَلِوَالِدَیَّ[1]؛ (نوح گفت:) پروردگارا مرا و پدر و مادرم را بیامرز.

ـ انبیاء و نیکی به والدین

۵. وَبَرًّا بِوَالِدَیْهِ وَلَمْ یَکُن جَبَّارًا عَصِیًّا[2]؛ (حضرت یحیی علیه‌السلام) نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود و متکبر و عصیان‌گر نبود.

۶. وَبَرًّا بِوَالِدَتِی وَلَمْ یَجْعَلْنِی جَبَّارًا شَقِیًّا[3]؛ (حضرت عیسی علیه‌السلام گفت: خداوند) مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده و متکبر و شقی قرار نداده است.

ارجاعات قرآنی

۱ـ انفاق به والدین: بقره، آیه ۲۱۵.

۲ـ وصیت به مال برای والدین: بقره، آیه ۱۸۰.

---

۱. نوح، آیه ۲۸.

۲. مریم، آیه ۱۴.

۳. همان، آیه ۳۲.

روایات

ـ مقام والدین

۱. قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله:

رضی اللّه فی رضی الوالدین و سخطه فی سخطهما[1]؛ خشنودی خدا در خشنودی پدر و مادر و خشم الهی در خشم آن‌هاست.

۲. عَنِ الْکَاظِمِ علیه السلام قَالَ:

سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله مَا حَقُّ الْوَالِدِ عَلَی الْوَلَدِ؟ قَالَ لَا یُسَمِّیهِ بِاسْمِهِ وَ لَا یَمْشِی بَیْنَ یَدَیْهِ وَ لَا یَجْلِسُ قَبْلَهُ وَ لَا یَسْتَسِبُّ لَه[2]؛ از رسول خداصلی الله علیه وآله سؤال شد حق پدر بر فرزند چیست؟ فرمود: او را به نامش نام نبرد و مقابل او حرکت نکند و جلوتر از او ننشیند و او را فحش ندهد.

روایات مرتبط

ـ پاداش نگاه محبت آمیز

۳ـ قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

ما ولدٌ بارٌّ نظر الی أبویه برحمه الاّ کان له بکل نظره حجّه مبروره، فقالوا: یا رسول الله! و ان نظر فی کل یوم مأه نظره؟ قال: نعم، الله اکبر و أطیب[3]؛ پیامبر فرمودند: هرگاه فرزند نیکوکاری نگاه محبت آمیز به والدین خود کند، در مقابل هر نگاه، یک حج مقبول برای او هست. (اصحاب) عرض کردند: یا رسول الله اگرچه روزی صد بار نگاه کند؟ فرمودند: بله، خدا بزرگ‌تر و پاکیزه‌تر است.

---

۱. مستدرک الوسائل، ج۲، ص ۶۲۷.

۲. مشکاة الأنوار، ص۱۵۹.

۳. شیخ طوسی، امالی، ص ۳۰۷.

ـ عقوبت نگاه خشم آلود

۴. قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

من نظر الی أبویه نظر ماقت و هما ظالمان له، لم یقبل الله له صلوه[1]؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس به والدینش نگاه خشم آلود کند در حالی که آن‌ها سمتی به او کرده باشند، خداوند نماز او را قبول نمی‌کند.

ـ راحتی مرگ

۵. قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ یُخَفِّفَ اللَّهُ عَنْهُ سَکَرَاتِ الْمَوْتِ- فَلْیَکُنْ بِقَرَابَتِهِ وَصُولًا وَ بِوَالِدَیْهِ بَارّاً فَإِذَا کَانَ کَذَلِکَ هَوَّنَ اللَّهُ عَلَیْهِ سَکَرَاتِ الْمَوْتِ وَ لَمْ یُصِبْهُ فِی حَیَاتِهِ فَقْرٌ أَبَدا[2]؛ امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس می‌خواهد که در هنگام جان دادن راحت بمیرد باید از خویشاوندان خود دلجوئی کند و به پدر و مادرش نیکی نماید، هرگاه چنین باشد مرگ بر او آسان می‌گردد و در زندگی فقیر نخواهد شد.

ـ سبب نیکی فرزندان

۶. قال الصّادق علیه السلام:

برّوا آبائکم تبرّکم ابنائکم[3]؛ **امام صادق علیه السلام فرموده است: به پدران خود نیکی کنید تا فرزندان شما هم به شما نیکی نمایند.**

ـ عواقب عاق والدین

۶. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَنَّ الرِّضَا علیه السلام

کَتَبَ إِلَیْهِ حَرَّمَ اللَّهُ عُقُوقَ الْوَالِدَیْنِ لِمَا فِیهِ مِنَ الْخُرُوجِ مِنَ التَّوْفِیقِ لِطَاعَةِ اللَّهِ

---

۱. کافی، ج ۲، ص ۳۴۹.

۲. میزان الحکمة، ج ۴، ص۱۹۱.

۳. بحارالانوار، ج۱۷، ص ۱۸۴.

تَعَالَی وَ التَّوْقِیرِ لِلْوَالِدَیْنِ وَ تَجَنُّبِ کُفْرِ النِّعْمَةِ وَ إِبْطَالِ الشُّکْرِ وَ مَا یَدْعُو مِنْ ذَلِکَ إِلَی قِلَّةِ النَّسْلِ وَ انْقِطَاعِهِ لِمَا فِی الْعُقُوقِ مِنْ قِلَّةِ تَوْقِیرِ الْوَالِدَیْنِ وَ الْعِرْفَانِ بِحَقِّهِمَا وَ قَطْعِ الْأَرْحَامِ وَ الزُّهْدِ مِنَ الْوَالِدَیْنِ فِی الْوَلَدِ وَ تَرْکِ التَّرْبِیَةِ لِعِلَّةِ تَرْکِ الْوَلَدِ بِرَّهُمَا[1]؛ محمّد بن سنان نقل کرده که حضرت رضا علیه‌السلام در مکتوبی به او مرقوم فرمودند: خداوند متعال عقوق والدین و نافرمانی از ایشان را حرام کرده و سرّ آن چند چیز است:

الف: انسان از توفیق برای اطاعت خدا خارج می‌شود.

ب: پدر و مادر را توقیر و تعظیم نمی‌کند.

ج: انسان را از ترک کفران نعمت، باز می‌دارد.

د: شکر نعمت را باطل و تباه می‌کند.

ه: منجر به قلّت نسل و انقطاع آن می‌شود؛ زیرا عقوق والدین موجب تعظیم نکردن والدین و آگاه نبودن به حقّ ایشان و قطع نمودن ارحام و بی‌رغبت شدن والدین نسبت به فرزند و تربیت وی می‌گردد و علّت و سبب تمام اینها آن است که فرزند، احسان به پدر و مادر را ترک نموده است.

داستان

۱ـ کیفر آدم خشن و مقام مادر

طلحة بن طلحة یکی از مسلمانان مدینه، بیمار شده بود، رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از او عیادت فرمود و بین آن‌ها چنین گفتگو شد:

رسول اکرم: ای طلحه! حالت چگونه است؟

طلحه: ای رسول خدا! مرگ است مرگ است!

رسول اکرم: در این حال چه می‌بینی؟

طلحه: فرشته‌ای خشن و ترس رو می‌بینم که به من می‌گوید: ای طلحه به سوی آتش

---

۱. میزان الحکمة، ج۲، ص ۱۵۹.

بیا!

رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله متوجه مادر طلحه شد و فرمود: ای مادر طلحه! فرزندت چگونه آدمی بود؟

ام طلحه: ای رسول خدا! پسرم بسیار ترش‌رو و غضبناک بود.

رسول خدا: ای ام طلحه! فرزندت را دریاب! بلند شو، دو رکعت نماز بخوان و سپس برای فرزندت طلب آمرزش کن.

مادر طلحه بلند شد دو رکعت نماز خواند پس از ادای نماز عرض کرد: «**اللّهمّ اغْفِرْ لِطلحَةَ ما کانَ منهُ الیَّ فَاِنّی قد غَفَرْتُ له و عَفَوتُ عنهُ**؛ خداوندا طلحه را بیامرز از آن‌چه که او نسبت به من داشت، من از او گذشتم و او را بخشیدم.»

در همین هنگام رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله به طلحه فرمود: چه می‌بینی؟

طلحه: آن فرشته خشم‌آلود رفت، اینک فرشته‌ای نیک صورت آمده و به من می‌گوید: «**یا طلحةُ هَلُمَّ الی الجَنَّةِ**؛ ای طلحه! به سوی بهشت بیا!»[1]

۲ـ اهدای ثواب

علامه *سید محمدحسین طباطبایی* می‌فرماید:

برادرم ـ سید محمدحسن الهی قاضی طباطبایی- شاگردی داشت که به او درس فلسفه می‌گفت. آن شاگرد احضار روح می‌نمود و برادر من توسط آن شاگرد با بسیاری از ارواح تماس پیدا می‌کرد. از عجایب و غرایب این بود که نامه‌ای از تبریز از جانب برادرم به قم آمد که در آن نوشته بود: شاگرد مزبور روح پدرمان را احضار کرده و به سؤالی هم جواب داده است و در ضمن گویا از شما (علامه طباطبایی) گله داشته‌اند که در ثواب تفسیری که نوشته‌اید (تفسیر المیزان) ایشان را شریک نکرده‌اید. من (علامه طباطبایی) تصور می‌کردم آخر کارهای من چه ارزشی دارد که پدرم را در آن سهیم کنم. ولی با رسیدن این نامه منفعل و شرمنده شدم و لذا به پروردگار عرض کردم: خدایا! اگر این تفسیر ما در نزد تو

---

۱. بحر اللّئالی، ص۷۷.

قابل قبول است و ثوابی دارد، من ثواب آن را به روح پدر و مادرم هدیه نمودم، هنوز این مطلب را در پاسخ نامه برادرم، به تبریز نفرستاده بودم که پس از چند روزی نامه‌ای از برادرم رسید که در آن چنین آمده بود: «این بار (روح پدر را احضار کرده و) با پدر صحبت کرده بودیم او گفت: خدا عمرش بدهد سید محمد حسین، هدیه ما را فرستاد[1]».

اشعار

۱ـ واجب آمد بر آدمی شش حق

اولش حقّ واجب مطلق

بعد از آن، حقّ مادر است و پدر

وآن استاد و شاه و پیغمبر

اگر این چند حق به جای آری

رخت در خانه خدای آری

حقّ این‌ها بدان که اربابند

مقبلان این دقیقه دریابند

حبّ ایشان سرت برافرازد

بغض ایشان به خاکت اندازد

«اوحدی»

۲ـ تو به جای پدر چه کردی خیر

که همان چشم داری از پسرت

«سعدی»

---

۱. طبیب عاشقان، ص۵۱ ـ ۵۰، خاطره ۲۱، به نقل از جرعه‌های جانبخش، ص۲۴۶.